**اظهارنظر عمومی شماره ۱۴ (۲۰۱۳)؛**

 **اولویت حق کودک برای بهره‌مندی از بهترین منافع خود (پاراگراف ۱ ماده ۳)**

«در تمام اقدامات مربوط به کودکان، که چه از سوی مؤسسات رفاهی عمومی یا خصوصی انجام می‌شود، چه در دادگاه‌ها، مقامات اداری و مجامع قانون‌گذاری، بهترین منافع کودک باید اولویت موردتوجه باشد».

کنوانسیون حقوق کودک (پاراگراف ۱ ماده ۳)

# اول. مقدمه

# الف. بهترین منافع کودک: یک حق، یک اصل و یک روند قانونی

۱. ماده ۳، پاراگراف ۱ کنوانسیون حقوق کودک به کودک این حق را می‌دهد که بهترین منافعش مورد ارزیابی قرار گیرد و در تمام اقدامات یا تصمیماتی که به او مربوط می‌شود، در هر دو حوزه عمومی و خصوصی، به‌عنوان اولویت اول، در نظر گرفته شود. همچنین، این ماده یکی از اساسی‌ترین ارزش‌های کنوانسیون را بیان می‌کند. کمیته‌ی حقوق کودک (کمیته) ماده ۳، پاراگراف ۱ را به‌عنوان یکی از چهار اصل کلی کنوانسیون برای تفسیر و اجرای کلیه‌ی حقوق کودک[[1]](#footnote-1) می‌شناسد و کاربرد آن را یک مفهوم پویا می‌داند که نیاز به ارزیابیِ مناسب با شرایط خاص دارد.

۲. مفهوم «بهترین منافع کودک» جدید نیست. درواقع، از کنوانسیون قدیمی‌تر است و قبلاً در اعلامیه حقوق کودک (بند ۲) ۱۹۵۹، کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان (ماده ۵ (ب) و ۱۶ پاراگراف ۱ (د)) و همچنین در اسناد منطقه‌ای و بسیاری از قوانین ملی و بین‌المللی درج‌شده است.

۳. کنوانسیون همچنین به‌صراحت به بهترین منافع کودک در سایر ماده‌ها اشاره دارد: ماده ۹: جدایی از والدین؛ ماده ۱۰: احیای خانواده؛ ماده ۱۸: مسئولیت‌های والدین؛ ماده ۲۰: محرومیت از محیط خانوادگی و مراقبت جایگزین؛ ماده ۲۱: فرزندخواندگی؛ ماده ۳۷ (ج): جدایی از بزرگسالان در بازداشت؛ ماده ۴۰، بند ۲ (ب) (۳): تضمین‌های قانونی، ازجمله حضور والدین در جلسات دادگاه برای پرونده‌های کیفری در ارتباط با مشکلات کودکان با قانون. همچنین به بهترین منافع کودک در پروتکل اختیاری کنوانسیون در مورد فروش کودکان، فحشاء کودکان و پورنو گرافی کودکان (مقدمه و ماده ۸) و در پروتکل اختیاری کنوانسیون در مورد آیین شکایات (مقدمه و ماده ۲ و ۳) ارجاع داده‌شده است.

۴. هدف از مفهوم بهترین منافع کودک، حصول اطمینان از بهره‌مندی کامل و مؤثر تمامی حقوق شناخته‌شده در کنوانسیون و رشد جامع کودک است.[[2]](#footnote-2) کمیته قبلاً اشاره‌کرده است[[3]](#footnote-3) که "قضاوت یک فرد بالغ از بهترین منافع کودک نباید مانع از تعهد به احترام گذاردن به حقوق کودک بر اساس کنوانسیون شود. لازم است یادآوری شود که حقوق مندرج در کنوانسیون به‌صورت سلسله‌مراتبی نیست؛ تمام حقوق مندرج در آن «بهترین منافع کودک» هستند و به خاطر یک تفسیر منفی از بهترین منافع کودک، هیچ حقی نباید نادیده گرفته شود.

۵. بهره‌مندی کامل از مفهوم بهترین منافع کودک، نیازمند توسعه‌ی یک رویکرد مبتنی بر حقوق و درگیر کردن همه عوامل، برای حفظ یکپارچگی کلی جسمانی، روان‌شناختی، اخلاقی و معنوی کودک و ارتقای کرامت انسانی وی است.

۶. کمیته تأکید می‌کند که بهترین منافع کودک یک مفهوم سه‌گانه است:

(الف) یک حق اساسی: حق کودک برای ارزیابی شدن بهترین منافع خود، زمانی که منافع مختلفی برای تصمیم‌گیری در مورد مسئله‌ای در نظر گرفته می‌شود، باید اولویت داشته باشد و تضمین این‌که این حق، هر زمان که تصمیمی در مورد یک کودک، گروهی از کودکان شناسایی‌شده یا ناشناس یا کودکان به‌طورکلی گرفته می‌شود، اجرا خواهد شد. پاراگراف ۱ ماده ۳، تعهدی ذاتی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند که مستقیماً قابل‌اجراست (خود اجرایی) و می‌تواند در دادگاه مورداستفاده قرار گیرد.

(ب) یک اصل حقوقی تفسیری بنیادین: اگر امکان بیش از یک تفسیر برای یک مقرره قانونی وجود داشته باشد، تفسیری که بیشترین اهمیت را برای بهترین منافع کودک در نظر می‌گیرد باید انتخاب شود. حقوق مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های اختیاری آن، چارچوبی برای تفسیر ارائه می‌کند.

(ج) روند قانونی: هرگاه تصمیمی باید گرفته شود که بر یک کودک خاص، یک گروه مشخصی از کودکان یا کودکان به‌طورکلی تاثیر ‌می‌گذارد، روند تصمیم‌گیری باید شامل ارزیابی تاثیر احتمالی (مثبت یا منفی) بر کودک یا کودکان مربوطه باشد. ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک نیازمند تضمین‌های قانونی است. علاوه بر این، توجیه یک تصمیم باید نشان دهد که این حق به‌وضوح، در نظر گرفته‌شده است. در این راستا، کشورهای عضو باید توضیح دهند که چگونه در تصمیم‌گیری به آن حق، احترام گذاشته‌شده است، یعنی چه چیزی به‌عنوان بهترین منافع کودک در نظر گرفته‌شده است؛ بر اساس چه معیارهایی است؛ و چگونه منافع کودک در برابر ملاحظات دیگر به‌حساب آمده است، چه در موارد گسترده‌ی سیاست‌ها یا موارد فردی باشد.

۷. در این اظهارنظر عمومی، عبارت «بهترین منافع کودک» یا «منافع بهترین برای کودک» شامل سه‌بعدی است که در بالا به آن اشاره شده است.

# ب. ساختار

۸. اظهارنظر عمومی حاضر، به پاراگراف ۱ ماده ۳ کنوانسیون محدود می‌شود و پاراگراف ۲ ماده ۳ که مربوط به رفاه کودک است و همچنین پاراگراف ۳ ماده ۳ که در مورد تعهدات کشورهای عضو برای اطمینان از این است که موسسات، خدمات و امکانات برای کودکان با استانداردهای موجود مطابقت دارند و این‌که مکانیسم‌هایی برای اطمینان از احترام به استانداردها وجود دارد را در بر نمی‌گیرد.

۹. کمیته، اهداف (فصل دوم) این اظهارنظر عمومی را بیان می‌کند و ماهیت و دامنه تعهدات کشورهای عضو را ارائه می‌دهد (فصل سوم). همچنین یک تحلیل قانونی از ۱ پاراگراف ماده ۳، (فصل چهارم) ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده پیوندهایی با سایر اصول کلی کنوانسیون است. فصل پنجم به اجرای عملی اصل بهترین منافع کودک اختصاص داده‌شده، درحالی‌که فصل ششم دستورالعمل‌های مربوط به انتشار اظهارنظر عمومی را ارائه می‌دهد.

# دوم. اهداف

۱۰. این اظهارنظر عمومی به دنبال تضمین اجرا و رعایت بهترین منافع کودک توسط کشورهای عضو کنوانسیون می‌باشد. الزامات موردتوجه را به‌ویژه در تصمیمات قضایی و اداری و همچنین در سایر اقدامات مربوط به کودک به‌عنوان یک فرد، و همچنین در همه مراحل تصویب قوانین، سیاست‌ها، استراتژی‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها، بودجه‌ها، و دستورالعمل‌های قانون‌گذاری و اختصاص بودجه - یعنی تمام اقدامات اجرایی - در مورد کودکان به‌طورکلی، یا به‌عنوان یک گروه خاص، تعریف می‌کند. کمیته انتظار دارد که این اظهارنظر عمومی راهنمایی برای تصمیم‌گیری‌ها از سوی همه‌ی افرادی که با کودکان سروکار دارند، ازجمله والدین و مراقبین باشد.

۱۱. بهترین منافع کودک یک مفهوم پویا است که شامل مسائل مختلفی می‌شود که به‌طور مداوم در حال تحول هستند. اظهارنظر عمومی فعلی، چارچوبی برای ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک فراهم می‌کند؛ این تلاشی برای نسخه پیچیدن برای آنچه برای هر کودک در هر شرایطی و در هرزمانی بهترین است، نیست.

۱۲. هدف اصلی این اظهارنظر عمومی، تقویت درک و استفاده از حق کودکان است برای این‌که بهترین منافعشان مورد ارزیابی و در اولویت و یا در مواردی در مهم‌ترین جایگاه موردتوجه قرار گیرد (به پاراگراف ۳۸ مراجعه کنید). هدف کلی‌اش این است که یک تحول اساسی را در نگرش‌هایی ترویج دهد که منجر به احترام کامل به کودکان به‌عنوان صاحبان حقوق می‌شود. به‌طور خاص، موارد زیر، مورد خطاب قرار می‌گیرند:

(الف) تشریح همه اقدامات اجرایی که دولت‌ها انجام می‌دهند؛

(ب) تصمیماتی که به‌صورت منفردانه توسط نمایندگان مقام‌های قضایی یا اداری یا سازمان‌های عمومی برای یک کودک خاص یا گروهی از کودکان مشخص اتخاذ می‌شود؛

(ج) تصمیم‌گیری‌های انجام‌شده توسط سازمان‌های جامعه مدنی و بخش خصوصی، ازجمله سازمان‌های سودآور و غیرانتفاعی که خدمات مربوط به کودکان یا آنچه بر آن‌ها تاثیر دارد را انجام می‌دهند؛

(د) دستورالعمل‌هایی برای اقدامات انجام‌شده توسط اشخاصی که با و یا برای کودکان کار می‌کنند، از جمله والدین و مراقبین.

# سوم. ماهیت و دامنه تعهدات کشورهای عضو

۱۳. هر کشور عضو باید حق کودک را رعایت و اجرا کند به‌گونه‌ای که بهترین منافع او مورد ارزیابی و در اولویت قرار گیرد و تعهد دارد که اقدامات لازم، عمدی و دقیقی را برای اجرای کامل این حق انجام دهد.

۱۴. پاراگراف ۱ ماده ۳، سه نوع تعهد را در قالب یک چارچوب برای کشورهای عضو ایجاد می‌کند:

(الف) تعهد اطمینان از اینکه بهترین منافع کودک به‌طور مناسب در هر اقدامی که توسط یک موسسه دولتی انجام می‌شود، به‌طور کامل رعایت شده و پیوسته در همه موارد اعمال می‌شود، به‌ویژه در تمام اقدامات اجرایی، اداری و قضایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کودکان تاثیر می‌گذارد؛

(ب) تعهد برای اطمینان از اینکه تمام تصمیمات قضایی و اداری و همچنین سیاست‌ها و قوانین مربوط به کودکان حاکی از این است که بهترین منافع کودک در اولویت قرار دارد. این شامل توصیف چگونگی بررسی و ارزیابی بهترین منافع و اهمیت آن در تصمیم‌گیری است.

(ج) تعهد اطمینان از اینکه منافع کودک، ارزیابی‌شده و تصمیمات و اقدامات بخش خصوصی، ازجمله ارائه‌دهندگان خدمات، یا هر نهاد خصوصی یا موسسه‌ی دیگری که تصمیماتشان به کودکان مربوط می‌شود، در اولویت قرار دارد.

۱۵. برای اطمینان از انطباق، کشورهای عضو باید تعدادی از اقدامات اجرایی را مطابق با ماده‌های ۴، ۴۲ و ۴۴ پاراگراف ۶ کنوانسیون انجام دهند و اطمینان حاصل نمایند که بهترین منافع کودک در همه اقدام‌ها در اولویت است، ازجمله:

(الف) بررسی و در صورت لزوم اصلاح قوانین داخلی و سایر منابع قانونی به منظور دربرگیری پاراگراف ۱ ماده ۳ و اطمینان از این‌که الزام به در نظر گرفتن بهترین منافع کودک در تمام قوانین و مقررات ملی، استانی یا قوانین ارضی، قواعد حاکم بر عملکرد نهادهای خصوصی یا دولتی که به کودکان خدمات ارائه می‌دهند یا بر آن‌ها تأثیر دارند، دادرسی‌های قضایی و اداری در هر سطح، هم به‌عنوان یک حق اساسی و به‌عنوان یک قاعده قانونی نمود یافته است؛

(ب) حمایت از بهترین منافع کودک در هماهنگی و اجرای سیاست‌ها در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی؛

(ج) ایجاد سازوکارها و راهکارهای شکایت، اصلاح یا جبران خسارت برای به رسمیت شناختن کامل حق کودک برای اینکه بهترین منافع او به‌طور مناسب در تمام اقدامات اجرایی، اداری و قضایی مرتبط با او و یا تأثیرگذار بر او گنجانیده و با آن هماهنگ باشد؛

(د) حمایت از بهترین منافع کودک در تخصیص منابع ملی برای برنامه‌ها و اقدامات با هدف اجرای حقوق کودکان و در فعالیت‌هایی که کمک‌های بین‌المللی یا کمک‌های توسعه‌ای دریافت می‌کند؛

(هـ) هنگام ایجاد، نظارت و ارزیابی جمع‌آوری داده‌ها، تضمین این‌که بهترین منافع کودک به‌صراحت بیان می‌شود و در صورت لزوم از تحقیقات در مورد مسائل حقوق کودکان حمایت صورت می‌گیرد؛

(و) ارائه اطلاعات و آموزش در مورد پاراگراف ۱ ماده ۳ و کاربرد آن در عمل به همه کسانی که تصمیم‌گیرنده هستند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کودکان تاثیر می‌گذارد، ازجمله افراد کارشناس و سایر افرادی که با یا برای این کودکان فعالیت می‌کنند؛

(ز) ارائه اطلاعات مناسب به کودکان با زبانی که آن را بفهمند و نیز به خانواده‌ها و مراقبان آن‌ها، به‌طوری که آن‌ها حدود شمولیت حقی که در بند ۱ ماده ۳ از آن حمایت شده است را متوجه شوند و همچنین ایجاد شرایط لازم برای بیان دیدگاه کودکان و اطمینان از این‌که به نظرات آن‌ها اهمیت داده می‌شود؛

(ح) مبارزه با نگرش‌ها و برداشت‌های منفی که مانع از تحقق کامل حق کودک برای ارزیابی بهترین منافع خود و اولویت بخشیدن به آن می‌شود، از طریق برنامه‌های ارتباطی شامل رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی و همچنین خودِ کودکان، چراکه کودکان به‌عنوان صاحبان حقوق شناخته شوند.

۱۶. برای اجرای تمام و کمال بهترین منافع کودک، پارامترهای زیر باید در نظر گرفته شود:

(الف) ماهیت همگانی، جدایی‌‌ناپذیر، به هم وابسته و درهم‌تنیده‌ی حقوق کودکان؛

(ب) به رسمیت شناختن کودکان به‌عنوان صاحبان حق؛

(ج) ماهیت و دسترسی جهانی کنوانسیون؛

(د) تعهد کشورهای عضو به احترام، حفاظت و تحقق تمامی حقوق کنوانسیون؛

(هـ) اثرات کوتاه، متوسط و بلند مدت فعالیت‌های مربوط به رشد کودک در طول زمان.

# چهارم. تجزیه و تحلیل قانونی و پیوندها با اصول کلی کنوانسیون

# الف. تجزیه و تحلیل قانونی پاراگراف ۱ ماده ۳

۱. «در تمام اقدامات مربوط به کودکان»

**(الف) «در تمام اقدامات»**

۱۷. پاراگراف ۱ ماده ۳ قصد دارد اطمینان حاصل کند که این حق در تمامی تصمیمات و اقدامات مربوط به کودکان تضمین‌شده است. این بدان معنی است که هر اقدامِ مربوط به یک کودک یا کودکان باید به‌عنوان یک اولویت به بهترین منافع کودک توجه کند. کلمه «اقدام» تنها شامل تصمیمات نمی‌شود، بلکه تمام اعمال، رفتار، پیشنهادات، خدمات، رویه‌ها و سایر اقدامات را هم شامل می‌شود.

۱۸. عدم اقدام یا شکست در اقدام و نادیده گرفتن‌ها نیز «اقدامات» است، مثلا زمانی که مقامات رفاه اجتماعی در اقدام برای حفاظت از کودکان در برابر غفلت و سوءاستفاده موفق نشوند.

**(ب) «مربوط به»**

۱۹. وظیفه قانونی به تمام تصمیمات و اقداماتی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر کودکان تاثیر می‌گذارد، اطلاق می‌شود. بدین ترتیب، اصطلاح «مربوط به» در درجه اول به اقدامات و تصمیماتی اشاره می‌کند که مستقیما به یک کودک، کودکان به‌عنوان یک گروه یا کودکان به‌طورکلی ارتباط دارد، و در مرحله دوم، به سایر اقداماتی که بر یک کودک، کودکان به‌عنوان یک گروه یا کودکان به‌طورکلی، حتی اگر آن‌ها اهداف مستقیم اقدامات نباشند. همان‌طور که در اظهارنظر عمومی شماره ۷ (۲۰۰۵) کمیته آمده است، چنین اقداماتی هم شامل مواردی است که کودکان هدف اصلی آن‌ها هستند (به‌عنوان‌مثال مربوط به بهداشت، مراقبت و آموزش و پرورش) و هم مواردی که کودکان را نیز همانند سایر گروه‌های جمعیتی در برمی‌گیرد (مانند مربوط به محیط زیست، مسکن یا حمل و نقل) (بند ۱۳ (ب))؛ بنابراین، «مربوط به» باید به معنای خیلی وسیع برداشت شود.

۲۰. درواقع، تمام اقداماتی که توسط یک دولت انجام می‌شود، به‌نوعی بر کودکان تاثیر می‌گذارد. این بدان معنا نیست که هر اقدامی که دولت انجام می‌دهد نیاز به یک فرآیند کامل و رسمی برای ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک دارد. با این حال، درصورتی‌که یک تصمیم، تاثیری مهم بر روی یک کودک یا کودکان داشته باشد، بهتر است حمایت‌های سطح بالاتر و روش‌های دقیق برای در نظر گرفتن بهترین منافع آن‌ها اتخاذ شود؛ بنابراین، در رابطه با اقداماتی که مستقیما هدفشان کودک و یا کودکان نیست، لازم است که اصطلاح «مربوط به» با در نظر گرفتن شرایط هر مورد، مشخص شود تا بتوان تأثیر این اقدام را بر کودک یا کودکان درک کرد.

**(ج) «کودکان»**

۲۱. اصطلاح «کودکان» به همه افراد زیر ۱۸ سال که در حوزه‌ی قضایی یک کشور عضو هستند، بدون تبعیض از هر نوع، مطابق با ماده‌ ۱ و ۲ کنوانسیون اطلاق می‌شود.

۲۲. در پاراگراف ۱ ماده ۳، کودکان را همانند افراد به‌کاربرده است و به‌موجب آن، دولت‌های عضو را متعهد می‌کند که در تصمیم‌های فردی، بهترین منافع کودک را ارزیابی کنند و به آن اولویت بخشند.

۲۳. بااین‌حال، اصطلاح «کودکان» به این معنی است که حق برخورداری از بهترین منافع خود در مورد کودکان نه‌تنها به‌عنوان افراد بلکه به‌طورکلی یا به‌عنوان یک گروه نیز مورداستفاده قرار می‌گیرد. به‌این‌ترتیب، کشورها تعهد دارند که بهترین منافع کودکان را به‌عنوان یک گروه یا به‌طورکلی در تمام اقدامات مربوط به آن‌ها ارزیابی کرده و به آن اولویت دهند. این امر به‌ویژه برای تمام اقدامات اجرایی واضح است. کمیته[[4]](#footnote-4) تأکید می‌کند که بهترین منافع کودک به‌عنوان یک حق جمعی و فردی در نظر گرفته می‌شود و استفاده از این حق برای کودکان بومی به‌عنوان یک گروه مستلزم توجه به این موضوع است که این حق چگونه به حقوق فرهنگی ارتباط پیدا می‌کند.

۲۴. این بدان معنی نیست که در تصمیم‌گیری در مورد کودک به‌عنوان یک فرد، منافع او با منافع کودکان به‌طورکلی یکی در نظر گرفته شود. بلکه، پاراگراف ۱ ماده ۳، به این معنی است که بهترین منافع یک کودک باید به‌صورت انفرادی ارزیابی شود. مراحل تعیین بهترین منافع کودکان به‌طور انفرادی و به‌عنوان یک گروه در زیر، در فصل پنجم آمده است.

**۲. «توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی یا خصوصی، محکمه‌های قانونی، مقامات اداری و یا نهادهای قانونی»**

۲۵. وظیفه دولت‌ها برای در نظر گرفتن بهترین منافع کودک، یک الزام کلی است که شامل تمام نهادهای عمومی و خصوصی رفاه اجتماعی، دادگاه‌ها، مقامات اداری و دستگاه‌های قانونی مربوط به کودکان یا با دغدغه‌ی کودکان می‌باشد. اگرچه والدین به‌طور صریح در پاراگراف ۱ ماده ۳ ذکر نشده‌اند، بااین‌حال بهترین منافع کودک «دغدغه اولیه آن‌ها» خواهد بود (پاراگراف ۱ ماده ۱۸).

**(الف) مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی یا خصوصی**

۲۶. این اصطلاحات نباید به‌طور مضیق تفسیر یا به نهادهای اجتماعی محدود شود، بلکه باید به معنای تمام نهادهایی باشد که عملکرد و تصمیمات آن‌ها بر کودکان و تحقق حقوق آن‌ها تاثیر می‌گذارند. چنین مؤسساتی نه‌تنها شامل نهادهای مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مانند مراقبت، بهداشت، محیط‌زیست، آموزش و پرورش، کسب‌وکار، اوقات فراغت و بازی و غیره) می‌شود، بلکه همچنین مؤسسات مربوط به حقوق و آزادی‌های مدنی (مانند ثبت تولد، حمایت در برابر خشونت در همه شرایط و غیره) را نیز در برمی‌گیرد. مؤسسات رفاهی خصوصی عبارت‌اند از سازمان‌های بخش خصوصی - چه سودآور و چه غیرانتفاعی - که نقش مهمی در ارائه خدماتی دارند که برای بهره بردن کودکان از حقوقشان ضروری هستند و به‌عنوان یک جایگزین و یا در کنار خدمات دولتی عمل می‌کنند.

**(ب) «محکمه‌های قانونی»**

۲۷. کمیته تأکید می‌کند که «محکمه‌ها» به تمام مراحل قضایی اشاره دارد، در تمام موارد - چه آن‌ها که توسط قاضیان حرفه‌ای یا آن‌ها که توسط افراد غیرحرفه‌‌ای اداره می‌شوند- و نیز تمام رویه‌های مربوط به کودکان، بدون محدودیت. این شامل مراحل مصالحه، میانجیگری و داوری می‌شود.

۲۸. در پرونده‌های کیفری، اصل بهترین منافع به کودکان گرفتار در درگیری اطلاق می‌شود (یعنی کودکانی که به آن‌ها کار غیرقانونی نسبت داده‌شده است، متهم یا و مجرم شناخته شده باشند‌) یا در تماس (به عنوان قربانیان یا شاهدان) با قانون و همچنین کودکان متأثر از وضعیت پدر و مادرانی که درگیر کشمکش‌های حقوقی هستند. کمیته[[5]](#footnote-5) تأکید می‌کند که حفاظت از بهترین منافع کودک بدین معنی است که اهداف سنتی عدالت کیفری، مانند سرکوب یا مجازات، باید جای خود را هنگام مقابله با مجرمان کودک، به اهداف بازپروری و عدالت ترمیمی بدهد.

۲۹. در پرونده‌های مدنی، در موارد مربوط به رابطه والدین و فرزند، کودک‌‌آزاری یا بی‌توجهی، پیوستن مجدد به خانواده، محل اقامت و غیره، کودک می‌تواند مستقیما یا از طریق یک نماینده، از منافع خود دفاع کند. کودک ممکن است متأثر از محاکمه قرار گیرد، مثلا در پرونده‌های مربوط به پذیرش به فرزندخواندگی یا طلاق، تصمیم‌گیری در خصوص حضانت، مسئله‌ی اقامت، تماس یا مسائل دیگر که بر زندگی و رشد کودک و همچنین کودک‌‌آزاری و یا غفلت از او، تأثیر مهمی دارد. دادگاه باید بهترین منافع کودک را در تمام موارد و تصمیمات در نظر بگیرد، چه از لحاظ رویه‌ای و چه ماهیتی و باید نشان دهد که این کار را به نحو مؤثری انجام داده است.

**(ج) «مقامات اداری»**

۳۰. کمیته تاکید می‌کند که طیف تصمیم‌گیری‌های مقامات اداری در همه سطوح بسیار وسیع است و شامل تصمیم‌های مرتبط با آموزش، مراقبت، سلامت، محیط زیست، شرایط زندگی، حفاظت، پناهندگی، مهاجرت، دسترسی به ملیت و غیره می‌شود. تصمیمات فردی که توسط مقامات اداری در این حوزه‌ها اتخاذ می‌شود، باید با توجه به بهترین منافع کودک، برای تمام اقدامات اجرایی ارزیابی و هدایت شود.

**(د) «نهادهای قانونی»**

۳۱. گسترش تعهدات کشورهای عضو به «نهادهای قانونی» خود، به‌وضوح نشان می‌دهد که پاراگراف ۱ ماده ۳، به کودکان به‌طورکلی و نه فقط به کودکان به‌عنوان افراد، مربوط می‌شود. تصویب هر قانون یا مقررات و همچنین توافقنامه‌های جمعی - مانند توافقنامه‌های دوجانبه یا چندجانبه معاهده‌های تجاری یا صلح که بر کودکان تأثیر می‌گذارد - باید با بهترین منافع کودک مدیریت شود. حق کودک برای ارزیابی بهترین منافع خود و در اولویت قرار گرفتن آن در اتخاذ تصمیمات، باید به‌طور صریح در تمام قوانین مرتبط و نه‌تنها در قوانینی که به‌طور خاص کودکان را شامل می‌شود، گنجانده شود. این تعهد، تصویب بودجه که آماده‌سازی و توسعه آن نیازمند به‌کارگیری بینش بهترین منافع کودک است تا آن را حساس به حقوق کودک کند را نیز شامل می‌شود.

**۳. «بهترین منافع کودک»**

۳۲. مفهوم بهترین منافع کودک پیچیده است و محتوای آن باید بر مبنای مورد به مورد مشخص شود. از طریق تفسیر و اجرای پاراگراف ۱ ماده ۳ و هم‌راستا با مقررات دیگر کنوانسیون است که قانون‌گذار، قاضی، یا مقامات اداری، اجتماعی و آموزشی می‌توانند مفهوم را روشن و از آن استفاده کنند. بر این اساس، مفهوم بهترین منافع کودک انعطاف‌پذیر و قابل جرح و تعدیل است. این مفهوم باید بر اساس وضعیت خاص کودک یا کودکان مربوطه، با در نظر گرفتن زمینه، وضعیت و نیازهای شخصی آن‌ها، به‌صورت فردی تنظیم و تعریف شود. برای تصمیم‌های فردی، بهترین منافع کودک باید با توجه به شرایط خاصِ کودکِ موردنظر، مورد ارزیابی قرارگرفته و تعیین شود. برای تصمیم‌گیری‌های جمعی – برای مثال توسط قانون‌گذار، بهترین منافع کودکان به‌طورکلی باید با توجه به شرایط خاص گروه و / یا کودکان به‌طورکلی بررسی و تعیین شود. در هر دو مورد، ارزیابی و تعیین باید با احترام کامل به حقوق مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های اختیاری آن صورت گیرد.

۳۳. بهترین منافع کودک باید در مورد همه مسائل مربوط به کودک یا کودکان اعمال شود و برای حل هرگونه اختلاف‌نظر در حقوق مندرج در کنوانسیون یا سایر معاهدات حقوق بشری موردتوجه قرار گیرد. باید شناسایی راه‌حل‌های ممکن که در راستای بهترین منافع کودک باشد مورد توجه قرار گیرد. این بدان معنی است که دولت‌ها در هنگام تصویب اقدامات اجرایی، باید بهترین منافع همه کودکان را تشریح کنند، ازجمله آن‌هایی که در شرایط آسیب‌پذیر هستند.

۳۴. انعطاف‌پذیری در مفهوم بهترین منافع کودک، این امکان را فراهم می‌سازد که وضعیت فردی کودکان موردتوجه‌ قرارگرفته و دانش مربوط به رشد کودکان توسعه یابد. بااین‌حال، ممکن است امکان سو استفاده را هم فراهم کند؛ مفهوم بهترین منافع کودک، توسط دولت‌ها و دیگر مقامات دولتی، مورد سوءاستفاده قرارگرفته است، برای مثال در جهت توجیه سیاست‌های نژادپرستانه؛ توسط والدین برای دفاع از منافع خود در اختلافات بر سر مسئله حضانت؛ توسط افراد کارشناسی که اهمیتی به موضوع نمی‌دهند و ارزیابی بهترین منافع کودک را نامربوط یا بی‌اهمیت می‌دانند.

۳۵. در ارتباط با اقدامات اجرایی، حصول اطمینان از اینکه بهترین منافع کودک در ملاحظات قانون‌گذاری و توسعه و اجرای سیاست‌ها در تمامی سطوح دولت اولویت دارد، مستلزم یک فرآیند مستمرِ ارزیابی تأثیرات حقوق کودک (CRIA) است، برای پیش‌بینی این‌که هرگونه قانون، سیاست‌گذاری یا تخصیص بودجه‌ی پیشنهادشده چه تأثیری برای کودکان و بهره‌مندی آن‌ها از حقوق خود دارد و نیز برای ارزیابی اثرات حقوق کودک برای ارزیابی اثرات واقعی اجرای آن‌ها.[[6]](#footnote-6)

**۴. «باید این ملاحظه اولویت داشته باشد»**

۳۶. بهترین منافع یک کودک باید در اتخاذ همه اقدامات اجرایی اولویت داشته باشد. کلمه «باید» یک تعهد قانونی قوی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند و بدین معنی است که دولت‌ها نمی‌توانند در مورد اینکه آیا بهترین اهداف کودکان مورد ارزیابی قرار بگیرد یا وزن مناسب به‌عنوان یک اولویت به آن داده شود یا نه به‌طور اختیاری رفتار کنند.

۳۷. عبارت «اولویت ملاحظات» به این معنی است که بهترین منافع کودک ممکن است در سطحی معادل با تمام ملاحظات دیگر قرار نگیرد. این جایگاه مهم با وضعیت ویژه کودک توجیه می‌شود: وابستگی، بلوغ، وضعیت قانونی و اغلب عدم امکان بیان نظر. کودکان نسبت به بزرگسالان دارای فرصت‌های کمتری برای قاطعانه طلب کردن منافع خود هستند و کسانی که درگرفتن تصمیم‌هایی که بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد دخیل هستند، باید به‌طور شفاف از منافع آن‌ها آگاه باشند. اگر منافع کودکان برجسته نشود، به‌راحتی نادیده گرفته می‌شود.

۳۸. در ارتباط با فرزندخواندگی (ماده ۲۱)، حق بهترین منافع، بیشتر تقویت‌شده است؛ که در آن نباید صرفا به «ملاحظه‌ی مهم» بسنده کرد، بلکه «ملاحظه‌ی بسیار حیاتی» باید در نظر گرفته شود. در حقیقت، بهترین منافع کودک، هنگام تصمیم‌گیری درباره فرزندخواندگی و همچنین مسائل دیگر، مسئله‌ی تعیین‌کننده است.

۳۹. بااین‌وجود، از آنجا که بند ۱ ماده ۳، طیف وسیعی از شرایط را پوشش می‌دهد، کمیته درجه‌ای از انعطاف‌پذیری در کاربرد آن را می‌پذیرد. بهترین منافع کودک هنگامی‌که ارزیابی و تعیین می‌شود، ممکن است با منافع یا حقوق دیگر (مانند حقوق سایر کودکان، مردم، والدین و غیره) تعارض داشته باشد. مناقشات بالقوه بین بهترین منافع یک کودک، به‌صورت فردی و گروهی از کودکان یا کودکان به‌طورکلی، باید مورد به مورد حل شود و با در نظر گرفتن منافع همه طرفین، راه‌حل مناسب پیدا شود. درصورتی‌که حقوق افراد دیگر در تعارض با بهترین منافع کودک باشد نیز همین کار باید انجام شود. اگر هماهنگی امکان‌پذیر نباشد، مقامات و تصمیم‌گیرندگان باید حقوق همه افراد مربوط را تحلیل و ارزیابی کنند و توجه داشته باشند که حق کودک برای داشتن بهترین منافع او در اولویت برتر به این معناست که منافع کودک از اهمیت بالایی برخوردار است و صرفا نمی‌توان آن را یکی از ملاحظات در میان چند ملاحظات دیگر در نظر گرفت؛ بنابراین، وزن بیشتری باید به آنچه به نفع کودک است داده شود.

۴۰. در نظر گرفتن بهترین منافع کودک به عنوان «اولویت برتر» نیاز به آگاهی در مورد جایگاه منافع کودکان در تمام اقدامات و نیز و اراده‌ی اولویت دادن به آن منافع در هر شرایطی دارد و البته، به ویژه هنگامی که یک اقدام، تاثیر غیرقابل‌انکاری بر روی کودکان مورد بحث داشته باشد.

# ب. بهترین منافع کودک و پیوند‌های آن با سایر اصول کلی کنوانسیون

**۱. بهترین منافع کودک و حق عدم تبعیض (ماده ۲)**

۴۱. حق عدم تبعیض یک تعهد منفعلانه نیست که هرگونه تبعیض در برخورداری از حقوق مندرج در کنوانسیون را ممنوع می‌کند، بلکه همچنین مستلزم اقدامات فعالانه‌ای است که دولت برای اطمینان از فرصت‌های برابر مؤثر برای همه کودکان در جهت بهره‌مندی آن‌ها از حقوق مندرج در کنوانسیون انجام می‌دهد. این ممکن است مستلزم اقدامات مثبتی با هدف اصلاح وضعیت نابرابر واقعی باشد.

**۲. بهترین منافع کودک و حق زندگی، بقا و رشد (ماده ۶)**

۴۲. دولت‌ها باید محیطی را ایجاد کنند که به کرامت انسانی احترام بگذارد و رشد کلی همه کودکان را تضمین کند. در ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک، دولت باید احترام کامل به حقوق ذاتی کودک را برای زندگی، بقا و رشد تضمین کند.

**۳. بهترین منافع کودک و حق شنیده شدن (ماده ۱۲)**

۴۳. ارزیابی بهترین منافع کودک باید شامل احترام به حق کودک برای بیان آزادانه دیدگاه‌های خود و توجه به نظرات مذکور در کلیه مسائل مربوط به کودک باشد. این به وضوح در اظهارنظر عمومی شماره ۱۲ کمیته آمده است که همچنین پیوندهای غیرقابل تفکیک بین پاراگراف ۱ ماده‌ ۳ و ماده ۱۲ را برجسته می‌کند. این دو ماده نقش تکمیلی دارند: ماده‌ی اول هدفش به رسمیت شناختن بهترین منافع کودک است و ماده‌ی دوم روش‌هایی برای شنیدن دیدگاه‌های کودک یا کودکان و دخالت دادن آن‌ها در کلیه مسائلی که کودکان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، ازجمله ارزیابی بهترین منافع او، ارائه می‌دهد. اگر الزامات ماده ۱۲ برآورده نشده باشد، پاراگراف ۱ ماده ۳ نمی‌تواند به‌درستی اعمال شود. به همین ترتیب، پاراگراف ۱ ماده ۳، کارکرد ماده ۱۲ را، با تسهیل نقش اساسی کودکان در همه تصمیمات مربوط به زندگی آن‌ها تحکیم می‌بخشد.[[7]](#footnote-7)

۴۴. هنگامی‌که بهترین منافع کودک و حق شنیده شدن او در معرض خطر است، باید ظرفیت‌های رو به رشد کودک (ماده ۵) موردتوجه قرار گیرد. کمیته قبلا مشخص کرده است که هر چه کودک بشر بداند، تجربه کند و بفهمد، والدین، سرپرست قانونی یا سایر اشخاصی که مسئولیت قانونی او را بر عهده‌دارند، بیشتر باید جهت و راهنمایی خود را به سمت یادآوری کردن و مشاوره دادن تغییر دهند و بعدها به تبادل‌نظر بر پایه‌ای برابر برسند.[[8]](#footnote-8) به همین‌گونه، هنگام بالغ شدن کودک، دیدگاه‌های او باید در ارزیابی بهترین منافع خود، وزن بیشتری داشته باشد. نوزادان و بچه‌های خیلی کوچک حقوق مشابهی با همه کودکان برای ارزیابی شدن بهترین منافع خود دارند، حتی اگر آن‌ها نتوانند مانند کودکان بزرگ‌سال‌تر دیدگاه‌های خود را بیان کنند و ارائه دهند. دولت‌ها باید برای ارزیابی بهترین منافع کودکان، مناسبات لازم را به‌طور مناسب ارائه نمایند؛ همین امر برای کودکانی صدق می‌کند که نمی‌توانند، یا مایل به ابراز یک دیدگاه نیستند، اعمال می‌شود.

۴۵. کمیته یادآور می‌شود که پاراگراف ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون حق کودک برای شنیده شدن را یا به‌طور مستقیم یا از طریق یک نماینده در هر جلسه قضایی یا اداری که بر او تاثیر می‌گذارد، به رسمیت می‌شناسد (فصل پنجم. قسمت ب را در زیر ببینید).

# پنجم. اجرا: ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک

۴۶. همان‌طور که قبلا ذکر شد، «بهترین منافع کودک» یک حق، یک اصل و یک قاعده مبتنی بر ارزیابی تمام عناصر منافع کودک یا کودکان در یک وضعیت خاص است. هنگام ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک برای تصمیم‌گیری در مورد یک اقدام خاص، مراحل زیر باید صورت گیرد:

(الف) ابتدا مفاد قابل استناد پرونده را مشخص کنید که عناصر مربوطه در ارزیابی بهترین منافع چیست، به آن‌ها محتوای مشخصی بدهید و میزان اهمیت هر کدام از آن‌ها را در مقایسه با دیگری تعیین کنید.

(ب) در مرحله دوم، برای انجام این کار، یک رویه را دنبال کنید که تضمین‌های حقوقی و استفاده مناسب از این حق را تضمین می‌کند.

۴۷. ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک دو مرحله است که باید برای تصمیم‌گیری طی شود. «ارزیابی بهترین منافع» شامل ارزیابی و توازن تمام عناصر لازم برای تصمیم‌گیری در یک وضعیت خاص برای یک کودک خاص یا گروهی از کودکان است. این تصمیم توسط تصمیم‌گیرنده و کارمندانش - در صورت امکان یک گروه چند رشته‌ای - انجام می‌شود و نیاز به مشارکت کودک دارد. «تعیین بهترین منافع» فرایندی رسمی با تدابیر محافظتی سخت‌گیرانه‌ای را توصیف می‌کند که برای تعیین بهترین منافع کودک بر اساس ارزیابی بهترین منافع، طراحی شده است.

# الف. ارزیابی و تعیین بهترین منافع

۴۸. ارزیابی بهترین منافع کودک یک فعالیت منحصربه‌فرد است که باید در هر مورد خاص با توجه به شرایط خاص هر کودک یا گروهی از کودکان یا کودکان به‌طورکلی انجام شود. این شرایط مربوط به ویژگی‌های فردی کودک یا کودکان مربوطه، ازجمله سن، جنس، مرحله‌ی بلوغ، تجربه، تعلق داشتن به یک گروه اقلیت، داشتن معلولیت فیزیکی، حسی یا فکری است و همچنین زمینه فرهنگی و اجتماعی که کودک یا کودکان در آن قرار دارند، مانند حضور یا غیاب والدین، اینکه آیا کودک با آن‌ها زندگی می‌کند، کیفیت روابط بین کودک و خانواده‌ یا مراقبانش، امنیت محیط‌ زیست او، وجود روش‌های جایگزینِ باکیفیت و در دسترس خانواده، اقوام یا مراقبین دورتر و غیره است.

۴۹. تعیین آنچه در بهترین منافع کودک است، باید با ارزیابی شرایط خاصی که کودک را منحصربه ‌فرد می‌کند، آغاز شود. این بدان معنی است که برخی از عناصر مورداستفاده قرار می‌گیرند و برخی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و نیز چگونه اهمیت آن‌ها نسبت به یکدیگر تاثیر خواهد گذاشت. برای کودکان به‌طورکلی، ارزیابی بهترین منافع شامل همان عناصر است.

۵۰. کمیته این را مفید می‌داند که فهرستی غیرجامع و غیر سلسله مراتبی از عناصری که می‌تواند در ارزیابی بهترین منافع کودک توسط هر یک از تصمیم‌گیرندگان که باید بهترین منافع کودک را تعیین کنند، تهیه شود. ماهیت غیرجامع عناصر موجود در لیست به‌طور ضمنی شرایطی را ایجاد می‌کند که بشود از آن فراتر رفت و سایر عوامل مرتبط با شرایط خاص کودک یا گروهی از کودکان را در نظر گرفت. همه موارد لیست باید در نظر گرفته شود و با توجه به هر وضعیت، متعادل شود. این لیست باید راهنمایی‌های بنیادی را در حین انعطاف‌پذیری ارائه دهد.

۵۱. تهیه چنین فهرستی از عناصر، راهنمایی‌هایی را برای دولت یا تصمیم‌گیرنده، در تنظیم موضوعات خاصی که بر کودکان تاثیر می‌گذارد، مانند خانواده، فرزندخواندگی و قوانین قضایی برای نوجوانان و در صورت لزوم، سایر عناصر مناسبی که مطابق با سنت حقوقی خود ممکن است اضافه شود، فراهم می‌کند. کمیته مایل است اشاره کند که هنگام اضافه کردن عناصر به این لیست، هدف نهاییِ بهترین منافع کودک، باید تضمین کامل و مؤثر در بهره‌‌مند شدن کودک از حقوق به رسمیت شناخته‌شده در کنوانسیون و رشد جامع او باشد. درنتیجه، عناصری که با حقوق مندرج در کنوانسیون مغایرت دارد و یا تأثیری متضاد با حقوق مطابق با کنوانسیون دارد، نمی‌تواند در ارزیابی بهترین موارد برای یک کودک یا کودکان، معتبر باشد.

**۱. عناصری که باید در هنگام ارزیابی بهترین منافع کودک موردتوجه قرار گیرد**

۵۲. بر اساس این ملاحظات اولیه، کمیته معتقد است عناصری که باید در هنگام ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک مطابق با وضعیت موردنظر در نظر گرفته شود، عبارت‌اند از:

**(الف) دیدگاه‌های کودک**

۵۳. ماده ۱۲ کنوانسیون، حق کودکان را برای بیان دیدگاه‌های خود در هر تصمیمی که بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد، مقرر می‌کند. هرگونه تصمیمی که نظر کودک را در نظر نگیرد و یا با توجه به سن و بلوغ آن‌ها به آن اهمیت کافی ندهد، به امکان کودک یا کودکان برای تأثیرگذاری بر تعیین بهترین منافع خود احترام نمی‌گذارد.

۵۴. این واقعیت که کودک بسیار کم‌سن و سال است یا در شرایط آسیب‌پذیری قرار دارد (به‌عنوان‌مثال دارای معلولیت است، متعلق به گروه اقلیت است، مهاجر است و غیره)، او را از حق بیان دیدگاه خود محروم نمی‌کند و همچنین در تعیین منافع خود، میزان اهمیت دیدگاه کودک را کاهش نمی‌دهد. تصویب اقدامات خاص برای تضمین استفاده از حقوق برابر برای کودکان در چنین شرایطی باید با ارزیابی فردی انجام شود که نقش خود کودکان را در فرایند تصمیم‌گیری تضمین می‌کند و در صورت لزوم به ارائه خدمات مناسب و حمایت،[[9]](#footnote-9) برای اطمینان از مشارکت کامل آن‌ها در ارزیابی بهترین منافع آن‌ها بپردازد.

**(ب) هویت کودک**

۵۵. کودکان یک گروه همگن نیستند و بنابراین در هنگام ارزیابی بهترین منافع، تنوع باید در نظر گرفته شود. هویت کودک شامل ویژگی‌هایی مانند جنسیت، گرایش جنسی، ملیت، دین و باورها، هویت فرهنگی و شخصیت است. گرچه کودکان و نوجوانان نیازهای اساسی جهانی مشترک دارند، بیان نیازهای آن‌ها بستگی به گستره وسیعی از جنبه‌های فردی، جسمی، اجتماعی و فرهنگی، ازجمله توانایی‌های در حال رشد آن‌ها دارد. حق كودک برای حفظ هویت او توسط كنوانسیون تضمین‌شده است (ماده ۸) و باید در ارزیابی بهترین منافع كودک مورداحترام و توجه قرار گیرد.

۵۶. برای مثال، در ارتباط با هویت مذهبی و فرهنگی، هنگام در نظر گرفتن خانه‌ی امن یا مکان‌یابی برای یک کودک، باید به تداوم تربیت کودک و پیشینه قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی کودک توجه شود (ماده ۲۰، پاراگراف ۳) و تصمیم‌گیرنده باید هنگام ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک این پیشینه‌ی خاص را در نظر بگیرد. همین امر در مورد فرزندخواندگی، جدایی یا طلاق والدین صادق است. توجه به بهترین منافع کودک، این معنا را می‌دهد که کودکان به فرهنگِ (و زبان، در صورت امکان) کشور و خانواده‌ی اصلی خود دسترسی دارند و امکان دسترسی به اطلاعات در مورد خانواده بیولوژیکی خود، مطابق با قوانین قانونی و حرفه‌ای کشورِ موردنظر را، دارند. (نگاه کنید به ماده ۹، پاراگراف ۴).

۵۷. گرچه حفظ ارزش‌ها و سنت‌های مذهبی و فرهنگی به‌عنوان بخشی از هویت کودک باید موردتوجه قرار گیرد، بااین‌حال، رفتارهایی که متناقض یا ناسازگار با حقوق مندرج در کنوانسیون هستند، بهترین منافع کودک را فراهم نمی‌کنند. هویت فرهنگی نمی‌تواند بهانه‌ و توجیهی در دست تصمیم‌گیرندگان و مقامات برای تداوم سنت‌ها و ارزش‌های فرهنگی‌ای باشد که کودک یا کودکان را از حقوق مندرج در کنوانسیون محروم می‌کند.

**(ج) حفاظت از محیط خانواده و حفظ روابط**

۵۸. کمیته یادآور می‌شود که ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک در شرایطی که امکان جدایی کودک از والدین وجود دارد (مواد ۹، ۱۸ و ۲۰) کاملاً ضروری است. همچنین تأکید می‌کند که عناصر ذکرشده در بالا، حقوق بنیادی تلقی می‌شوند و تنها به‌عنوان عناصر تعیین بهترین منافع کودک به‌حساب نمی‌آیند.

۵۹. خانواده سنگ بنای جامعه و محیطی طبیعی برای رشد و رفاه اعضای آن، به‌ویژه کودکان (مقدمه کنوانسیون) است. حق كودک به داشتن زندگی خانوادگی مطابق كنوانسیون، تضمین‌شده است (ماده ۱۶). اصطلاح «خانواده» باید در معنای وسیع آن تفسیر شود تا شامل والدین بیولوژیک، افرادی که کودکان را به فرزندی قبول کرده‌اند یاسرپرست آن‌ها هستند و در مواردی اعضای دورتر خانواده‌ یا گروه اجتماعی که بر مبنای آداب و رسوم از کودکان مراقبت می‌کنند را هم در بربگیرد. (ماده ۵).

۶۰. جلوگیری از جدایی خانوادگی و حفظ وحدت خانوادگی، اجزای مهم سیستم محافظت از کودکان است و بر مبنای حق مندرج در پاراگراف ۱ ماده ۹ که مستلزم «آن است که یک کودک نباید از والدینش برخلاف خواسته آن‌ها جدا شود به‌جز زمانی که [...] چنین جدایی برای بهترین منافع کودک ضروری باشد». علاوه بر این، کودکی که از یک یا هر دو والدین جداشده است، حق دارد «به‌طور منظم روابط شخصی و ارتباط مستقیم با هر دو والدین را حفظ کند، مگر آنکه برخلاف بهترین منافع کودک باشد» (پاراگراف ۳ ماده ۹). این امر همچنین به هر شخصی که دارای حقوق حضانت، مراقبان اصلی قانونی یا سنتی، سرپرست‌ها و کسانی که کودک با آن‌ها رابطه‌ای قوی دارد، اطلاق می‌شود.

۶۱. با توجه به‌شدت تأثیر جدایی از والدین بر روی کودک، این جدایی‌ باید تنها به‌عنوان آخرین اقدام مؤثر صورت گیرد، مانند زمانی که کودک در معرض آسیب قریب‌الوقوع قرارگرفته باشد یا در موارد ضروری دیگر؛ اگر راه‌هایی با صدمات کمتر برای حفاظت از کودک وجود داشته باشد، جدایی نباید صورت بگیرد. پیش از به نتیجه رسیدن برای جدایی، دولت باید به والدین در پذیرش مسئولیت‌های سرپرستی خود کمک کند و ظرفیت خانواده را برای مراقبت از فرزند بازگرداند یا تقویت کند، مگر اینکه جدایی برای حفاظت از کودک ضروری باشد. دلایل اقتصادی نمی‌تواند توجیهی برای جدا کردن یک کودک از والدینش باشد.

۶۲. هدفِ «دستورالعمل‌های مراقبت‌های جایگزین برای کودکان»‌[[10]](#footnote-10) تضمین این مسئله است که کودکان، بدون ‌ضرورت لازم به مراقبت‌های جایگزین سپرده نشوند؛ و جایی که مراقبت‌های جایگزین ارائه می‌شود، شرایط مناسب مطابق با حقوق و بهترین منافع کودک فراهم می‌شود. به‌طور خاص، «فقر مالی و مادی و یا شرایطی که مستقیماً و منحصراً به چنین فقری مربوط می‌شود، هرگز نباید تنها توجیه برای حذف مراقبت والدین برای کودک باشد [...] اما باید به‌عنوان نشانه‌ای برای نیاز به حمایت مناسب از خانواده، دیده شود»(پاراگراف ۱۵).

۶۳. به همین ترتیب، یک کودک نباید به دلیل معلولیت خود یا والدینش از والدین خود جدا شود.[[11]](#footnote-11) جداسازی تنها در مواردی می‌تواند در نظر گرفته شود که کمک‌های لازم به خانواده برای حفظ واحد خانواده به‌اندازه کافی مؤثر نباشد تا از خطر غفلت و یا رها کردن کودک و یا به خطر افتادن ایمنی کودک جلوگیری شود.

۶۴. در صورت جدایی، دولت باید تضمین کند که وضعیت کودک و خانواده‌اش، در صورت امکان، توسط یک گروه چند‌رشته‌ای از متخصصین آموزش دیده با برخورد مناسب قضایی، مطابق با ماده ۹ کنوانسیون، ارزیابی شود تا از این‌که هیچ گزینه دیگری نمی‌تواند بهترین منافع کودک را برآورده کند، اطمینان حاصل شود.

۶۵. هنگامی‌که جداسازی ضروری می‌شود، تصمیم‌گیرندگان باید اطمینان حاصل کنند که کودک ارتباطات و روابط خود را با والدین و خانواده‌اش (خواهران و برادران، بستگان و اشخاصی که کودک با آن‌ها روابط شخصی قوی داشته است) حفظ می‌کند، مگر اینکه این امر برخلاف بهترین منافع کودک باشد. کیفیت روابط و نیاز به حفظ آن‌ها باید در تصمیم‌گیری در مورد دفعات و طول بازدیدها و دیگر تماس‌ها، زمانی که کودک از خانواده جدا شده موردتوجه قرار گیرد.

۶۶. وقتی روابط کودک با والدین خود به‌واسطه‌ی مهاجرت (والدین بدون فرزند یا فرزند بدون والدین خود) متوقف می‌شود، هنگام ارزیابی بهترین منافع کودک در تصمیم‌گیری در مورد احیای خانواده، حفظ واحد خانواده باید موردتوجه قرار گیرد.

۶۷. کمیته معتقد است که مسئولیت‌های مشترک والدین به‌طورکلی ازجمله بهترین منافع کودک است. بااین‌حال، در تصمیم‌گیری‌ها در مورد مسئولیت‌های والدین، تنها معیار باید این باشد که بهترین منافع آن کودک خاص در چیست. اگر قانون به‌طور خودکار مسئولیت‌های پدر و مادر را به یک یا هر دوی والدین محول کند، برخلاف آن منافع است. در ارزیابی بهترین منافع کودک، قاضی باید به حق کودک برای حفظ روابط خود با هر دو والدین، همراه با سایر عناصر مربوط به پرونده توجه کند.

۶۸. کمیته تصویب و اجرای کنوانسیون‌های کنفرانس لاهه در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی را پیشنهاد می‌کند[[12]](#footnote-12) که اجرای بهترین منافع کودک را تسهیل کرده و اجرای آن را درصورتی‌که والدین در کشورهای مختلف زندگی ‌کنند، تضمین می‌کند.

۶۹. در مواردی که والدین یا سایر مراقبین اصلی مرتکب جرمی شوند، به‌جای بازداشت باید گزینه‌های دیگری بر مبنای مورد به مورد، با توجه کامل به تاثیرات احتمالی احکام مختلف بر بهترین منافع کودک یا کودکان آسیب‌دیده در دسترس باشد و به کار گرفته‌شده.[[13]](#footnote-13)

۷۰. حفظ محيط خانواده شامل حفاظت از روابط کودک به معنای گسترده‌تر است. این روابط به اعضای دورتر خانواده‌ مانند پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، عموها/خاله‌ها و همچنین دوستان، مدرسه و محدوده وسیع‌تر اعمال می‌شود و در مواردی که والدین از هم جداشده و در مکان‌های مختلف زندگی می‌کنند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

**(د) مراقبت، حفاظت و ایمنی کودک**

۷۱. هنگام ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک یا کودکان به‌طورکلی، وظیفه دولت برای اطمینان از حفاظت و مراقبتی از کودک که برای رفاه او لازم است (ماده ۳، پاراگراف ۲) باید در نظر گرفته شود. اصطلاحات «حفاظت و مراقبت» نیز باید در معنای گسترده تفسیر شود، زیرا هدف آن‌ها در شرایط محدود یا منفی (مانند «حفاظت از کودک در برابر آسیب») بیان‌نشده، بلکه در رابطه با آرمان‌های جامع تضمین‌کننده «رفاه» و رشد ذکرشده است. رفاه کودکان، در معنای وسیع، شامل نیازهای اولیه مادی، فیزیکی، آموزشی و عاطفی و همچنین نیاز به محبت و ایمنی است.

۷۲. مراقبت‌های احساسی یک نیاز اساسی برای کودکان است. اگر والدین یا سایر مراقبین اولیه نیازهای عاطفی کودک را برآورده نکنند، باید اقداماتی صورت بگیرد تا کودک بتواند دلبستگی امن ایجاد کند. کودکان نیاز دارند که در سنین بسیار پایین وابستگی به یک مراقب ایجاد کنند و این وابستگی، اگر به‌اندازه کافی باشد، باید در طول زمان به‌منظور فراهم کردن محیط امن برای کودک پایدار شود.

۷۳. ارزیابی بهترین منافع کودک باید امنیت کودک را نیز در نظر بگیرد، یعنی حق کودک برای حفاظت در برابر همه انواع خشونت‌های فیزیکی یا روانی، آسیب و سوءاستفاده (ماده ۱۹)، آزار جنسی، فشار همسالان، قلدری، رفتار تحقیرآمیز و غیره،[[14]](#footnote-14) و همچنین حفاظت در برابر استثمار جنسی، اقتصادی و دیگر موارد، مواد مخدر، بیگاری، درگیری مسلحانه و غیره (ماده‌های ۳۹-۳۲).

۷۴. اعمال رویکرد بهترین منافع در تصمیم‌گیری به معنای ارزیابی امنیت و صلاح کودک در زمان جاری است؛ بااین‌حال، به‌منظور رعایت اصول احتیاطی لازم است خطر و ضررهای احتمالی و پیامدهای آتی تصمیمات، به خاطر امنیت کودک، مورد ارزیابی قرار گیرد.

 **(ه) وضعیت آسیب‌پذیری**

۷۵. یک عامل مهم که باید در نظر گرفته شود، وضعیت آسیب‌پذیری کودک، مانند معلولیت، تعلق به یک گروه اقلیت، پناهنده یا پناه‌جو بودن، قربانی سوءاستفاده بودن، زندگی در خیابان و غیره است. هدفِ تعیین بهترین منافع یک کودک یا کودکان در شرایط آسیب‌پذیر نباید تنها معطوف به بهره‌مندی کامل از تمامی حقوق مندرج در این کنوانسیون باشد، بلکه باید با رعایت اصول حقوقی مربوط به چنین شرایطی ازجمله اصول مندرج در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهنده‌ها و غیره باشد.

۷۶. بهترین منافع کودک در یک موقعیت آسیب‌پذیری خاص، همانند وضعیت تمامی کودکان در همان وضعیت آسیب‌پذیری نیست. مقامات و تصمیم‌گیرندگان باید انواع و درجه‌های مختلف آسیب‌پذیری هر کودک را در نظر بگیرند، چرا که هر کودک منحصربه‌فرد است و هر وضعیت باید بر اساس منحصربه‌فرد بودن کودک ارزیابی شود. ارزیابی فردی از پیشینه‌ی هر کودک از زمان تولد، با بررسی منظم یک گروه چند‌رشته‌ای و تعیین مکان مناسب در طول فرآیند رشد کودک باید انجام شود.

 **(و) حق کودک برای سلامتی**

۷۷. حق کودک برای سلامتی (ماده ۲۴) و وضعیت سلامتی او، مرکز ثقل ارزیابی بهترین منافع کودک است. بااین‌حال، اگر بیش از یک درمان احتمالی برای یک مشکل سلامتی وجود داشته باشد یا اگر نتیجه درمان قطعی نباشد، مزایای استفاده از تمام درمان‌های ممکن را باید در برابر تمام خطرات احتمالی و عوارض جانبی سنجید و دیدگاه کودک نیز باید بر اساس سن و بلوغ او بااهمیت تلقی شود. در این راستا، باید به کودکان اطلاعات کافی و مناسب برای درک وضعیت و تمام جنبه‌های مربوط به منافع آن‌ها داده شود و در صورت امکان رضایت آن‌ها به‌صورت آگاهانه فراهم شود.[[15]](#footnote-15)

۷۸. به‌عنوان مثال، در مورد سلامت نوجوانان، کمیته[[16]](#footnote-16) اظهار داشته که کشورهای عضو متعهد هستند تا اطمینان حاصل کنند که تمام نوجوانان، چه آن‌ها که به مدرسه می‌روند و چه آن‌ها که نمی‌روند، به‌منظور انتخاب رفتارهای مناسب بهداشتی به اطلاعات کافی که برای سلامتی و رشد آن‌ها ضروری است، دسترسی دارند. این باید شامل اطلاعات در مورداستفاده و سوءاستفاده از تنباکو، الکل و مواد دیگر، رژیم غذایی، اطلاعات مناسب جنسی و تولیدمثل، خطرات بارداری زودهنگام، پیشگیری از اچ آی وی / ایدز و بیماری‌های مقاربتی باشد. نوجوانان مبتلا به اختلال روانی و اجتماعی حق دارند که تا حد امکان در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، درمان و مراقبت شوند. در جایی که بستری شدن یا اسکان در یک موسسه مسکونی ضروری است، قبل از تصمیم‌گیری و با احترام به دیدگاه‌های کودک، بهترین منافع کودک باید ارزیابی شود؛ ملاحظات مشابه برای کودکان خردسال نیز معتبر است. ممکن است سلامت کودک و امکانات درمانی نیز بخشی از ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک، در کنار سایر تصمیمات خاص باشد. (برای مثال، اعطای اجازه‌ی اقامت به دلایل بشردوستانه).

**(ز) حق کودک برای تحصیل**

۷۹. ازجمله بهترین منافع کودک، دسترسی به آموزش باکیفیت، ازجمله آموزش دوره‌ی خردسالی، آموزش رسمی و غیررسمی و فعالیت‌های مرتبط با آن، به‌صورت رایگان است.

تمام تصمیمات مربوط به اقدامات و فعالیت‌های مربوط به یک کودک خاص یا یک گروه از کودکان در ارتباط با آموزش‌وپرورش، باید با احترام به بهترین منافع کودک یا کودکان انجام شود. به‌منظور ارتقاء آموزش‌وپرورش و یا آموزش‌وپرورش باکیفیت بهتر برای کودکانِ بیشتر، کشورهای عضو هم نیاز به معلمان و سایر متخصصینی دارند که در محیط‌های مختلف تحصیلی کار کنند و هم به یک محیط دوستدار کودک و نیز به شیوه‌های آموزش و یادگیری مناسب که در نظر بگیرد آموزش‌وپرورش نه‌تنها سرمایه‌گذاری برای آینده است، بلکه فرصتی برای فعالیت‌های شاد، احترام، مشارکت و تحقق آرزوهاست. پاسخگویی به این نیاز و افزایش مسئولیت‌های کودکان برای غلبه بر هر نوع محدودیت‌ مربوط به آسیب‌پذیری، به نفع آن‌ها خواهد بود.

**۲. تعادل عناصر در ارزیابی بهترین منافع**

۸۰. باید تأکید کرد که ارزیابی اولیه بهترین منافع، ارزیابی کلی تمام عناصر مربوط به بهترین منافع کودک است، میزان اهمیت هر عنصر بستگی به عناصر دیگر دارد. همه عناصر به همه‌ی پرونده‌ها مربوط نمی‌شوند و عناصر مختلف را می‌توان در موارد مختلف به روش‌های مختلف استفاده کرد. محتوای هر عنصر ضرورتاً از یک کودک به کودک دیگر و از یک پرونده به دیگری تا حدی متفاوت خواهد بود، بسته به نوع تصمیم و شرایط مشخص، اهمیت هر عنصر در ارزیابی کلی نیز متفاوت خواهد بود.

۸۱. ممکن است هنگام بررسی یک مورد خاص و شرایط آن، عناصر مذکور، در ارزیابی بهترین منافع باهم مغایرت داشته باشند. به‌عنوان‌مثال، حفاظت از محیط خانواده ممکن است با نیاز به حفاظت از کودک در برابر خطرِ خشونت یا سوء استفاده‌ی والدین در تعارض باشد. در چنین شرایطی، عناصر باید با یکدیگر مقایسه شوند تا راه‌حلی پیدا شود که مطابق با بهترین منافع کودک یا کودکان است.

۸۲. در مقایسه عناصر مختلف، باید توجه شود که هدف ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک، اطمینان از برخورداری کامل و مؤثر از حقوق مندرج در کنوانسیون و پروتکل‌های اختیاری آن و رشد جامع کودک است.

۸۳. ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که نیاز باشد عوامل «حفاظتی» مؤثر بر یک کودک (که به‌عنوان‌مثال ممکن است محدودیت بر حقوق اعمال کند) در رابطه با اقدامات «توانمندسازی» ارزیابی شود (که مستلزم اعمال کامل حقوق بدون محدودیت است). در چنین شرایطی، برای برقراری تعادل بین عناصر باید سن و بلوغ کودک را در نظر گرفت. برای ارزیابی سطح بلوغ، باید رشد فیزیکی، عاطفی، شناختی و اجتماعی کودک موردتوجه قرار گیرد.

۸۴. در ارزیابی بهترین منافع، باید در نظر داشت که توانایی‌های کودک تکامل می‌یابد؛ بنابراین، تصمیم‌گیرندگان باید اقداماتی را که می‌توانند بر اساس آن تجدیدنظر یا اصلاح شوند، به‌جای تصمیم‌‌های قطعی و غیرقابل‌برگشت، درنظربگیرند. برای انجام این کار، آن‌ها نباید تنها نیازهای فیزیکی، عاطفی، آموزشی و سایر موارد را در لحظه خاص تصمیم‌گیری ارزیابی کنند، بلکه باید سناریوهای محتمل رشد کودک را نیز در نظر بگیرند و آن‌ها را در کوتاه‌مدت و درازمدت تحلیل کنند. در این زمینه، تصمیم‌گیری باید تداوم و ثبات وضعیت فعلی و آینده کودک را ارزیابی کند.

# ب. ضمانت‌های قانونی برای تضمین اجرای بهترین منافع کودک

۸۵. برای اطمینان از اجرای صحیح حق کودک برای اینکه اولویت به بهترین منافع او داده شود، باید برخی از ضمانت‌های قانونی مناسب کودکان را اجرا و پیگیری کرد. به‌این‌ترتیب، مفهوم بهترین منافع کودک، قاعده‌ای قانونی است (به پاراگراف ۶ (ب) بالا مراجعه کنید).

۸۶. درحالی‌که مقامات دولتی و سازمان‌هایی که تصمیمات مربوط به کودکان را اتخاذ می‌کنند، باید مطابق با الزام به ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک رفتار کنند، از افرادی که به‌طور روزانه تصمیم‌هایی می‌گیرند که به کودکان مربوط است (مانند والدین، سرپرستان، معلمان و ...) توقع نمی‌رود که این روش دومرحله‌ای را با دقت دنبال کنند، هرچند تصمیماتی که در زندگی روزمره اتخاذ می‌شود نیز باید بر اساس بهترین منافع کودک باشد و آن را رعایت کند.

۸۷. دولت‌ها باید برای ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک در تصمیم‌گیری‌هایی که کودکان را متأثر می‌کند فرآیندهایی رسمی با موازین محافظتی سخت‌گیرانه‌ای ازجمله، تدارک سازوکارهایی برای ارزیابی نتایج، تدارک بینند. دولت‌ها باید فرایندهایی شفاف و عینی را برای همه تصمیمات قانون‌گذاران، قضات یا مقامات اداری، به‌ویژه در حوزه‌هایی که به‌صورت مستقیم بر کودک یا کودکان تاثیر می‌گذارد، ایجاد کنند.

۸۸. کميته، دولت‌ها و همه اشخاصی را که در جایگاه ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودک هستند، به توجه ویژه به ضمانت‌ها و تضمین‌های زیر دعوت می‌کند:

**(الف) حق کودک برای بیان دیدگاه‌های خود**

۸۹. یکی از عناصر حیاتی در این فرآیند، ارتباط با کودکان است تا مشارکت معنادار کودک را تسهیل و بهترین منافع آن‌ها را شناسایی کند. چنین ارتباطی باید شامل اطلاع‌رسانی به کودکان در مورد فرآیند و راه‌حل‌ها و خدمات پایدار احتمالی و همچنین جمع‌آوری اطلاعات از کودکان و جستجوی دیدگاه‌های آن‌ها باشد.

۹۰. درجایی که کودک بخواهد نظر خود را بیان کند و درجایی که این حق از طریق یک نماینده تحقق یابد، تعهد نماینده این است که دیدگاه‌های کودک را به‌طور دقیق بیان کند. در شرایطی که دیدگاه‌های کودک در تعارض با نظرات نماینده خود قرار می‌گیرد باید یک روش برای ایجاد امکان نمایندگی جداگانه برای کودک (مثلا سرپرست) در صورت لزوم فراهم شود.

۹۱. روند ارزیابی و تعیین بهترین منافع کودکان به‌صورت گروهی تا حدودی با روند ارزیابی و تعیین بهترین منافع یک کودک به‌صورت فردی متفاوت است. هنگامی‌که منافع تعداد زیادی از کودکان در خطر باشد، نهادهای دولتی باید راه‌هایی را برای شنیدن دیدگاه نماینده‌های گروه‌ها پیدا کنند و هنگام برنامه‌ریزی برای انجام اقدامات یا اخذ تصمیمات قانونی که مستقیم یا غیرمستقیم به گروه مربوط می‌شود، به نظر آن‌ها توجه کافی مبذول دارند تا اطمینان حاصل شود که حقوق تمام گروه‌ها تحت پوشش قرارگرفته است. نمونه‌های بسیاری از چگونگی انجام این کار وجود دارد، ازجمله دادرسی‌های کودکان، مجلس کودکان، سازمان‌های هدایت‌شده توسط کودکان، اتحادیه‌های کودکان و یا سایر نمایندگی‌ها، بحث در مدرسه، وب‌سایت‌های شبکه‌های اجتماعی و غیره.

(ب) برقراری واقعیت

۹۲. شواهد و اطلاعات مربوط به یک مورد خاص باید توسط متخصصین آموزش‌دیده به دست آید تا برای تهیه تمام عناصر لازم برای ارزیابی بهترین منافع از آن استفاده شود. این کار می‌تواند شامل مصاحبه با افراد نزدیک به کودک، سایر افراد که هرروز در تماس با کودک هستند، شاهدان رخدادهای خاص و غیره باشد. اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری‌شده باید قبل از استفاده در ارزیابی بهترین منافع کودک یا کودکان، مورد تأیید و بررسی قرار گیرد.

**(ج) ادراک زمان**

۹۳. گذر زمان به‌طور یکسان توسط کودکان و بزرگ‌سالان درک نمی‌شود. تاخیر در تصمیم‌گیری یا طولانی کردن فرآیند آن، به‌طور خاص بر کودکان در حال رشد تأثیر مخرب می‌گذارد؛ بنابراین توصیه می‌شود که رویه‌ها یا فرآیندهای مربوط به کودکان یا مؤثر بر آن‌ها در اولویت قرار گیرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به نتیجه برسد. زمان تصمیم‌گیری باید تا آنجا که ممکن است، مربوط به درک کودک از این‌که چگونه می‌تواند به نفع او باشد تنظیم شود و تصمیمات گرفته‌شده باید در فواصل زمانی معین با توجه به رشد کودک و توانایی او که برای بیان دیدگاه‌هایش تکامل می‌یابد بررسی مجدد شود. تمام تصمیمات مربوط به مراقبت، درمان، اسکان دادن و سایر اقدامات مربوط به کودک، باید به‌صورت دوره‌ای، با توجه به ادراک او از زمان و ظرفیت‌های در حال رشد او، مورد بررسی قرار گیرد (ماده ۲۵).

**(د) متخصصان واجد شرایط**

۹۴. کودکان یک گروه متنوع، دارای خصوصیات و نیازهای خاص خود هستند که فقط توسط متخصصانی که در امور مربوط به رشد کودک و نوجوانان تخصص دارند، می‌تواند به‌درستی ارزیابی شود. به همین دلیل است که فرایند ارزیابی رسمی باید در فضایی دوستانه و امن توسط متخصصان آموزش‌دیده در زمینه‌هایی ازجمله روانشناسی کودک، رشد کودک و دیگر حوزه‌های توسعه انسانی و اجتماعی موردتوجه قرار گیرد که تجربه کار با کودکان را دارند و اطلاعات دریافت شده را به روشی عینی بررسی می‌کنند. در حد امکان، یک گروه چندرشته‌ای از متخصصان باید در ارزیابی بهترین منافع کودک دخیل باشد.

۹۵. ارزیابی پیامدهایی که راه‌حل‌های جایگزین برای کودکان دارند، باید بر اساس دانش عمومی (در حوزه‌های حقوق، جامعه‌شناسی، آموزش، مددکاری اجتماعی، روانشناسی، سلامت و غیره) از پیامدهای احتمالی هر راه‌حل ممکن، با توجه به ویژگی‌های فردی و تجربه گذشته کودک باشد.

**(ه) نمایندگی حقوقی**

۹۶. هنگامی‌که بهترین منافع کودک به‌طور رسمی توسط دادگاه‌ها و سازمان‌های معادل آن ارزیابی و تعیین می‌شود، کودک به نماینده‌ی قانونی مناسب نیاز خواهد داشت. به‌ویژه زمانی که کودک برای تعیین بهترین منافعش وارد فرآیند اداری یا قضایی می‌شود و بین طرفین در تصمیم‌گیری اختلاف‌نظر وجود دارد، علاوه بر سرپرست یا نماینده‌ای که نظرات او را بیان می‌کند، باید یک نماینده قانونی نیز برایش فراهم شود.

**(و) استدلال حقوقی**

۹۷. برای نشان دادن این‌که حق فرزند برای ارزیابی و ارج نهادن به بهترین منافع خود در نظر گرفته‌شده و موردتوجه قرارگرفته است، هرگونه تصمیم‌گیری در مورد کودک یا کودکان باید انگیزه‌یابی، توجیه و توضیح داده شود. این انگیزه باید مشخص کند که شرایط واقعی کودک کدام است، چه عناصری در ارتباط با بهترین منافعش یافت شده است و نیز محتوای این عناصر در ارتباط با پرونده خاص چیست و چگونه وزن آن‌ها در تعیین بهترین منافع کودک سنجیده‌ شده است. اگر تصمیم، با دیدگاه کودک متفاوت باشد، دلیل آن باید به‌وضوح بیان شود. اگر استثنائاً راه‌حل ارائه‌شده، بهترین منافع کودک را تأمین نکند، دلایل آن باید ارائه شود تا معلوم شود که علی‌رغم نتایج حاصله، بهترین منافع کودک در اولویت بوده است. کافی نیست که ملاحظاتی به‌صورت اجمالی مطرح شود که بهترین منافع کودک را تحت‌الشعاع قرار داده‌است؛ تمام ملاحظات باید به‌صراحت در رابطه با پرونده‌ی موردنظر و دلیل اینکه چرا در آن مورد خاص اهمیت بیشتری به آن‌ها داده‌شده است، مشخص شود. استدلال همچنین باید با روش معتبری نشان دهد که چرا بهترین منافع کودک به‌اندازه کافی قوی نبوده است تا ملاحظات دیگر را تحت‌الشعاع قرار دهد. توجه باید معطوف به شرایطی باشد که بهترین منافع کودک در آن حتماً در درجه‌ی اول اهمیت است. (به پاراگراف ۳۸ در بالا نگاه کنید).

**(ز) مکانیسمِ بررسی یا اصلاح تصمیمات**

 ۹۸. دولت‌ها باید در سیستم‌های قانونی خودساز و کارهایی تدارک ببینند که تصمیمات مربوط به کودکان، در صورتی که چنین به نظر بیاید که مطابق فرآیند بررسی و تعیین بهترین منافع کودک اتخاذ نشده‌است، مورد تجدیدنظرخواهی قرارگرفته یا اصلاح شوند. همیشه باید امکان درخواست بررسی مجدد یا تجدیدنظر در این تصمیم در سطح ملی وجود داشته باشد. کودکان باید سازوکارها را بشناسند و خود یا نماینده آن‌ها در صورتی که مشخص شود موازین قانونی رعایت نشده، شواهد مستند نبوده، ارزیابی بهترین منافع کودک به‌اندازه‌ی کافی صورت نگرفته یا به ملاحظات دیگر بیش از اندازه بها داده‌شده است، به این سازوکارها دسترسی داشته باشند. هیئتی که بررسی مجدد را انجام می‌دهد باید تمام این موارد را در نظر بگیرد.

(ح) ارزیابی تاثیر حقوق کودک (CRIA)

۹۹. همان‌طور که در بالا ذکر شد، اتخاذ همه اقدامات اجرایی نیز باید فرآیندی داشته باشد که طی آن اطمینان حاصل شود بهترین منافع کودک در اولویت قرار می‌گیرد. ارزیابی تاثیر حقوق کودک (CRIA) می‌تواند تاثیر هرگونه سیاست، قانون، مقررات، بودجه یا تصمیم اداری دیگر را که کودکان یا بهره‌مندی آن‌ها را از حقوق، تحت تأثیر قرار می‌دهد پیش‌بینی کند و باید در کنار روند جاری نظارت و بررسی تأثیر اقدامات روی حقوق کودکان نقش مکمل را ایفا کند. به‌منظور مدیریت درست در جهت تضمین حقوق کودکان CRIA باید وارد فرآیندهای دولتی در تمام سطوح آن و هرچه سریع‌تر وارد سیاست‌ها اقدامات کلی دیگر شود.[[17]](#footnote-17)

 در هنگام انجام ارزیابی تأثیر حقوق کودک (CRIA)، ممکن است روش‌ها و شیوه‌های مختلفی توسعه یابد. حداقل کار این است که آن‌ها باید از کنوانسیون و پروتکل‌های اختیاری آن به‌عنوان یک چارچوب استفاده کنند، به‌ویژه اطمینان حاصل شود که ارزیابی‌ها بر اساس اصول کلی تأکید شده و توجه ویژه به تأثیر متمایز اقدام یا اقدامات موردنظر در مورد کودکان هستند. ارزیابی تأثیر به خودی خود، می‌تواند براساس داده‌های کودکان، جامعه مدنی و کارشناسان و همچنین از ادارات دولتی مربوطه، تحقیقات علمی و تجربیات ثبت شده در کشور یا جاهای دیگر باشد. این تجزیه و تحلیل باید توصیه‌هایی برای اصلاحات، جایگزین‌ها و پیشرفت‌ها انجام دهد و در دسترس عموم قرار گیرد.[[18]](#footnote-18)

# ششم. انتشار

۱۰۰. کمیته توصیه می‌کند که دولت به‌طور گسترده اظهارنظر عمومی را به پارلمان، دولت‌ها و قوه قضائیه در سطح ملی و محلی بفرستد. این اظهارنظر عمومی همچنین باید به کودکان - ازجمله کودکان محروم، تمام متخصصانی که برای کودکان و با کودکان کار می‌کنند (از جمله قضات، وکلا، معلمان، مراقبان، مددکاران اجتماعی، کارکنان موسسات رفاهی دولتی یا خصوصی، کارکنان بهداشت، معلمان و غیره) و جامعه مدنی در کل، شناسانده شود. برای انجام این کار، اظهارنظر عمومی باید به زبان‌های مرتبط ترجمه شود، نسخه‌های مناسب کودکان باید در دسترس قرار گیرد، کنفرانس‌ها، سمینارها، کارگاه‌ها و رویدادهای دیگر باید برگزار شود تا بهترین شیوه‌ها را در مورد چگونگی اجرای آن به بهترین نحو به اشتراک بگذارد. در ضمن باید در آموزش‌های رسمی قبل و حین خدمت تمام متخصصان و کارکنان فنی گنجانده شود.

۱۰۱. دولت‌ها باید در گزارش‌های دوره‌ای خود به کمیته در مورد چالش‌هایی که با آن روبرو هستند و همچنین در مورد اقدامات لازمی که اعمال کرده‌اند برای رعایت بهترین منافع کودک در تمامی تصمیمات قضایی و اداری و سایر اقدامات مربوط به کودک به‌عنوان فرد، همچنین در تمام مراحل تصویب اقدامات اجرایی مربوط به کودکان به‌طورکلی یا به‌عنوان یک گروه خاص، اطلاعات ارائه بدهند.[[19]](#footnote-19)

1. اظهارنظر عمومی شماره ۵ (۲۰۰۳) کمیته در مورد اقدامات کلی اجرای كنوانسیون حقوق كودك، پاراگراف ۱۲؛ و شماره ۱۲ (۲۰۰۹) در مورد حق کودک برای شنیده شدن، پاراگراف ۲. [↑](#footnote-ref-1)
2. کمیته انتظار دارد که دولت‌ها توسعه را به‌عنوان یک مفهوم جامع دربرگیرنده رشد فیزیکی، روحی، معنوی، اخلاقی، روحی و اجتماعی کودک تفسیر کنند (اظهارنظر عمومی شماره ۵، پاراگراف ۱۲). [↑](#footnote-ref-2)
3. اظهارنظر عمومی شماره ۱۳ (۲۰۱۱) در مورد حق حمایت در مقابل همه اشکال خشونت، پاراگراف ۶۱. [↑](#footnote-ref-3)
4. اظهارنظر عمومی شماره ۱۱ (۲۰۰۹) درباره کودکان بومی و حقوق آن‌ها تحت کنوانسیون، بند ۳۰. [↑](#footnote-ref-4)
5. اظهارنظر عمومی شماره ۱۰ (۲۰۰۷) در مورد کودکان در سیستم قضایی نوجوانان، پاراگراف ۱۰. [↑](#footnote-ref-5)
6. اظهارنظر عمومی شماره ۵ (۲۰۰۳) درباره اقدامات کلی اجرای كنوانسیون حقوق كودك، پاراگراف ۴۵. [↑](#footnote-ref-6)
7. اظهارنظر عمومی شماره ۱۲، پاراگراف ۷۰-۷۴. [↑](#footnote-ref-7)
8. همان، پاراگراف ۸۴. [↑](#footnote-ref-8)
9. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، ماده ۲: «انطباق منطقی» به معنای تطابقت و تغییرات مقتضی و ضروری است که فشار بی‌مورد و نامتناسبی را تحمیل ننماید و جائی­که در مورد خاصی نیاز می‌باشد، بهره‌مندی و اعمال کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین توسط افراد دارای معلولیت در شرایط برابر با سایرین را تضمین نماید. [↑](#footnote-ref-9)
10. قطعنامه ۱۴۲/۶۴ مجمع عمومی، ضمیمه. [↑](#footnote-ref-10)
11. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، ماده ۲۳، پاراگراف ۴. [↑](#footnote-ref-11)
12. این‌ها عبارت‌اند از: شماره ۲۸ در مورد جنبه‌های مدنی کودک ربایی بین‌المللی، ۱۹۸۰؛ شماره ۳۳ در موردحفاظت از کودکان و همکاری در خصوص پذیرش فرزندخواندگی بین کشوری، ۱۹۹۳؛ شماره ۲۳ در تشخیص و اجرای تصمیمات مربوط به تعهدات نگهداری، ۱۹۷۳؛ شماره ۲۴ قانون قابل‌اعمال در مورد تعهدات نگهداری، ۱۹۷۳. [↑](#footnote-ref-12)
13. توصیه‌های روز بحث عمومی در مورد کودکان والدین زندانی را ببینید. (۲۰۱۱). [↑](#footnote-ref-13)
14. اظهارنظر عمومی شماره ۱۳ (۲۰۱۱) درباره حق کودک برای آزادی از همه‌ی انواع خشونت. [↑](#footnote-ref-14)
15. اظهارنظر عمومی شماره ۱۵ (۲۰۱۳) در مورد حق فرزند برای بهره‌مندی از بالاترین سطح قابل‌قبول سلامت (ماده ۲۴)، بند ۳۱. [↑](#footnote-ref-15)
16. اظهار نظر عمومی شماره ۴ (۲۰۰۳) درباره سلامت و توسعه نوجوانان در زمینه کنوانسیون حقوق کودک. [↑](#footnote-ref-16)
17. اظهارنظر عمومی شماره ۱۶ (۲۰۱۳) درباره تعهدات دولت در مورد تأثیر بخش کسب‌وکار بر حقوق کودکان، پاراگراف ۷۸-۸۱. [↑](#footnote-ref-17)
18. کشورها ممکن است از گزارش گزارشگر ویژه حق غذا در مورد اصول راهنمابی ارزیابی تأثیرات حقوق بشر در توافق نامه‌های تجارتی و سرمایه‌گذاری، راهنمایی‌هایی استنتاج کنند. [↑](#footnote-ref-18)
19. لطفاً برای متن اصلی [اینجا](https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/15/treatybodyexternal/Download.aspx?symbolno=CRC%2fC%2fGC%2f14&Lang=en) را نگاه کنید. [↑](#footnote-ref-19)